



توراه اور • پاراشاها מקץ • مامار 7

רני ושמחי בת ציון כו'

«بسرای و شادمان باش، ای دخترِ صهیون»



تقديم به افتخارِ

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی بییتسחק

LikuteiTorah.com

پاراشای حسیدی



[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/7](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/7)

1 رني وشمחתי בת ציון כו'. להבין למה נק' כנס"י [כנסת ישראל] בשם בת כמו בת ציון בת ירושלים.

«بسرای و شادمان باش، ای دختر صهیون»، و جز اینها. [باید] فهمید چرا جماعت اسرائیل را «دختر» می‌نامند، چنان‌که در «دختر صهیون» و «دختر اورشلیم» آمده است.

הנה איתא במדרש משל למלך כו' לא זו מחבבה עד שקראה בתי כמ"ש שמעי בת וראי והטי אזנך ושכחי עמך ובית אביך ויתאו המלך יפוך כו' (ופי' יפוך הוא כמו בחי' רעיתי יפתי).

اکنون، در میدراش آمده است: «[تمثیلی درباره] پادشاهی»، و جز اینها: «از مهرورزی به او بازنايستاد تا آن‌که او را «دخترم» خواند»، چنان‌که نوشته شده است: «بشنو، ای دختر، و بنگر، و گوشت را فرا ده؛ قومت و خانه پدرت را فراموش کن، و پادشاه شیفته زیبایی تو خواهد شد»، و جز اینها. (و معنای «زیبایی تو» مانند مرتبه «محبوبه من، زیباروی من» است).

لا זו מחבבה עד שקראה אחותי וכמ"ש אחותי רעיתי.

«از مهرورزی به او بازنايستاد تا آن‌که او را «خواهرم» خواند»، چنان‌که نوشته شده است: «خواهرم، محبوبه من.»

لا זו מחבבה עד שקראה امי וכמ"ש צאנה וראנה بنות ציון במלך שלמה בעטרה שעטרה לו אמו כו' וכתیب הקשיבו אלי עמי ולאומי אלי האזינו ולאמי کתיב:

«از مهرورزی به او بازنايستاد تا آن‌که او را «مادرم» خواند»، چنان‌که نوشته شده است: «بیرون آید و بنگرید، ای دختران صهیون، به پادشاه شلومو (שלמה)، با تاجی که مادرش بر سر او نهاد»، و جز اینها؛ و نوشته شده است: «به من گوش سپارید، ای قوم من، و به من گوش فرا دهید، ای ملت من (לאומי, le'umi)»: در نوشته، **לאמי** آمده است [تا بتوان آن را] le'imi، یعنی «مادرم»، خواند.

2 והנה להבין ענין ג' בחי' אלו בעבודת ה' שיש ג' מדרגות בישראל שע"ש [שעל שם] כך נקראו בבחי' הללו.

اکنون، [باید] معنای این سه مرتبه در خدمت **ה'** را بفهمیم: در میان اسرائیل سه رتبه وجود دارد که به سبب آن‌ها با این نام‌ها خوانده می‌شوند.

וצריך להבין מ"ש נר הוי"ה נשמת אדם שהנשמה קרויה נרה של שם הוי"ה. והרי פעם אמר הכתוב כי אתה נרי ה' שהוא ית' נק' נר של נש"י [נשמות ישראל].

و باید آنچه را نوشته شده است بفهمیم: «روح انسان چراغ نام چهارحرفی (**ה'**, Havayah) است؛ یعنی روح، چراغ **ה'** خوانده شده است. با این حال، جای دیگری در کتاب مقدس آمده است: «زیرا تو چراغ منی، **ה'**؛ او، که متبارک است، چراغ ارواح اسرائیل خوانده شده است.

3 והענין כי הנה כתיב כל הנשמה תהלל יה. פי' תהלל מלשון בהלו נרו כו' לשון הארה.

توضیح این است: نوشته شده است: «هر نفس، יה را بستانید (با معنای روشنایی بخشیدن؛ تهلل، tehallel)». تهلل از تعبیر «هنگامی که چراغش تابید (بهلو، behilo)» و مانند آن گرفته شده است؛ تعبیری برای روشنایی افشانی.

וביאור הדבר כי הנה כתיב אני ה' לא שניתי ואתה הוא קודם שנבה"ע [שנברא העולם] **ואתה הוא כו'.**

و توضیح مطلب این است: نوشته شده است: «من، ה'، تغییر نکرده‌ام»؛ و نیز: «تو همان هستی پیش از آن که جهان آفریده شود، و تو همان هستی» و مانند آن.

4 ואינו כדמיון הנשמה שמתפעלת ומקבלת שינויים ממקרי הגוף לפי שמלובשת ממש בתוך לבושי הגוף

בג' לבושיה שהם מחדו"מ [مחשבה دבור ومعهשה]

او مانند روح نیست که از رویدادهای بدن متأثر شود و دستخوش دگرگونی گردد؛ زیرا حقیقتاً در پوشش‌های بدن، یعنی در سه پوشش خود که اندیشه، گفتار و کردارند، جای گرفته است.

שמחשבתו של האדם מلبשת את הנשמה ומקיפה מכל צד וממשיכה להטותה אל כל אשר תחפוץ

ששם תהא משכן הנשמה והשראתה וכן בדו"מ [בדבור ومعهשה].

اندیشه انسان روح را می‌پوشاند و از هر سو احاطه‌اش می‌کند، و آن را به سوی هر جا که بخواهد می‌کشاند و متمایل می‌سازد، تا روح در آنجا جای گیرد و آرام گیرد؛ گفتار و کردار نیز چنین‌اند.

משא"כ אצלו ית' כתיב כי לא מחשבותי מחשבותיכם שאינו מקבל שום שינוי ח"ו [חס ושלום] **מבריאת**

העולמות.

اما دربارهٔ ה'، که متبارک است، نوشته شده: «زیرا اندیشه‌های من اندیشه‌های شما نیست»؛ آفرینش عوالم هیچ تغییری در او پدید نمی‌آورد، مبدا چنین باشد.

5 וכמו שהיה הוא לבדו קודם שנבה"ע [שנברא העולם]. **כך הוא לבדו אחר שנבה"ע** [שנברא העולם]. **שاین**

העולמות תופסים מקום אצלו ית' כלל.

و همان‌گونه که او پیش از آفرینش جهان تنها بود، پس از آفرینش جهان نیز تنهاست؛ زیرا عوالم در نسبت با او، که متبارک است، اصلاً جایگاهی ندارند.

והגם שהוא מחי את כולם וצופה ומביט עד סוף כל הדורות בהשגחה פרטית על כל דרכי איש ועלילות מצעדי גבר.

و با آنکه به همگان حیات می‌بخشد و تا پایان همه نسل‌ها می‌نگرد و نظر می‌افکند، و با عنایتی خاص به هر فرد بر همه راه‌های انسان و کردار گام‌های آدمی نظارت دارد،

6 וכמ"ש ענין פקוחות על כל דרכי כו'. אין זה אלא כמאמ' [כמאמר] לפניך נגלו כל תעלומות. הכל גלוי וידוע לפניך.

چنان‌که نوشته شده است: «چشمات بر همه راه‌ها گشوده است» و غیره؛ این تنها به‌سان این گفتار است: «در پیشگاه تو همه نهان‌ها آشکارند»؛ «همه‌چیز در پیشگاه تو آشکار و معلوم است».

פי' הכל גלוי וידוע. שהם נעשים בבחי' גילוי וידיעה לפניו אבל לא שייך עליו לומר שידוע בהם כידיעת האדם שידיעתו מלבשתו ומקפתו

معناي «همه‌چیز آشکار و معلوم است» این است که آنها در پیشگاه او آشکار و معلوم می‌شوند؛ اما نمی‌توان درباره او گفت که آنها را مانند شناخت انسان می‌شناسد، شناختی که انسان را می‌پوشاند و احاطه می‌کند.

שהוא ית' רם ונשא מזה רבבות מדרגות עד אין קץ והוא קדוש ومובدل וג"פ [וג' פעמים] קדוש ק"ק [קדוש קדוש] עד שהוי"ה צבאות להוות עולמות מלאכים ונשמות:

زیرا او، که متبارک است، به ده‌ها هزار مرتبه، تا بی‌نهایت، از این فراتر و والاتر است؛ و مقدس و جدا از همه است، و سه بار مقدس است: «مقدس، مقدس، مقدس»؛ تا آنجا که [او] «نام چهارحرفی (ה', Havayah) لشکرها» است، تا عوالم، فرشتگان و نفوس را به‌وجود آورد (להוות، lehavos).

7 וביאור ענין ג"פ [ג' פעמים] קדוש. הוא כי הנה ב' ההי"ן שבשם הוי"ה. ה' הראשונה בחי' מחשבה. וה' השניה בחי' דבור.

و توضیح معنای «سه بار قدوس» چنین است: در نام چهارحرفی (ה', Havayah) دو حرف هی وجود دارد؛ هی نخست مرتبه اندیشه است و هی دوم مرتبه گفتار.

והנה בחי' דבור הוא מקור התהוות העולמות מלאכים ונשמות. וכמ"ש בדבר ה' שמים נעשו וברוח פיו כל צבאם.

اکنون مرتبه گفتار سرچشمه پدیدآمدن عوالم، فرشتگان و نفوس است؛ چنان‌که نوشته شده است: «به‌واسطه کلام ه' آسمان‌ها پدید آمدند، و به‌واسطه نفس دهان او تمامی سپاهشان.»

8 וג' אותיות הראשונות הם ג"פ [ג' פעמים] קדוש שהוא השתלשלות מעילה לעילה כו' עד שיהיה בחי' ה' אחרונה בחי' דבור.

و سه حرفِ نخست، «سه بار قدوس» هستند؛ این همان زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) از علتی به علت دیگر و غیره است، تا سرانجام مرتبهٔ هاءِ پایانی (ה, hei)، یعنی مرتبهٔ گفتار، پدید آید.

כי כדי להיות ה' ראשונה בחי' מחשבה והתפשטות החיות והתהוות איזו הארה צ"ל תחלה בחי' יו"ד שהוא צמצום

زیرا برای آنکه هاءِ نخست، یعنی مرتبهٔ اندیشه، و نیز گسترش نیروی حیات (חיות, chayus) و پدیدآمدن هرگونه روشنائی تحقق یابد، باید نخست مرتبهٔ יו"ד وجود داشته باشد؛ این مرتبه انقباض (צמצום, tzimtzum) است.

שמא"ס ב"ה בעצמו לא היו העולמות יכולים לקבל הארה כלל ולא הי' [היה] יכול להתהוות יש מאין כלל אלא ע"י צמצום וכמאמר מכלכל חיים בחסד.

زیرا عوالم نمی‌توانستند از خود بی‌نهایتِ مطلق (אין סוף, Ein Sof)، که مبارک باد، هیچ پرتویی دریافت کنند و هیچ «چیزی» اصلاً نمی‌توانست از نیستی پدید آید، مگر به واسطهٔ צמצום (חסד, Chesed) پایدار می‌دارد» (מכלכל, mechalkel) [پایدار می‌دارد].

ופי' מכלכל מלשון כלי תוך כלי שלהיות חיים להחיות העולמות צ"ל צמצום בבחי' כלי תוך כלי כי הוא ית' חיי החיים כו':

و معنای **מכלכל** از تعبیر «ظرف (כלי, kli) درونِ ظرف» گرفته شده است: برای آنکه حیاتی باشد که به عوالم حیات ببخشد، باید **צמצום** به صورتِ ظرفی درونِ ظرفی دیگر تحقق یابد؛ زیرا او، که متبارک است، حیاتِ همهٔ حیات‌هاست و غیره.

9 והנה כתיב כי ביה ה' צור עולמים. ביו"ד נברא העוה"ב [העולם הבא]. פי' העוה"ב [העולם הבא] הוא תענוג הנשמות שנהנין מזיו השכינה כו'.

اکنون نوشته شده است: «زیرا با י"ה (Yah)، نام چهارحرفی (ה', Havayah)، جهان‌ها را صورت بخشید (צור, tzur):» با حرفِ יו"ד (yud)، عالمِ آینده آفریده شد. عالمِ آینده لذتِ نفس‌هاست؛ آنان از پرتوِ حضورِ الهی (שכינה, Shechinah) بهره می‌برند، و مانند آن.

והתגלות תענוג זה הוא ע"י צמצום א"ס [אור אין סוף] ב"ה שהוא בחי' יו"ד כי מאא"ס [מאור אין סוף] ב"ה בעצמו ובכבודו כביכול לא היו הנשמות יכולים לקבל מאחר שהם בבחי' נברא וגבול והעוה"ב [והעולם הבא] עצמו הוא בחי' ה"א.

אשכרשדן אין לזת از طریق انقباض (צמצום, tzimtzum) نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof), که او متبارک است, صورت می‌گیرد؛ و این انقباض مرتبهٔ יו"ד است. زیرا نفس‌ها نمی‌توانستند از خود نور بی‌پایان، که او متبارک است، و در جلال خود او، به اصطلاح، دریافت کنند؛ چراکه آنان آفریده‌هایی محدودند. و خود عالم آینده مرتبهٔ ה"א است.

וע"י יו"ד נברא שתענוג זה שמשגיגים הוא בחי' יש. כמ"ש להנחיל אוהבי יש. ש"י עולמו [עולמות]. וכדי להתהוות יש מאין המוחלט צ"ל בחי' צמצום.

و به واسطهٔ יו"ד آفریده شد؛ [یعنی] این لذتی که [نفس‌ها] درمی‌یابند، مرتبهٔ «چیزی» (yesh, יש) است؛ چنان‌که نوشته شده است: «تا به دوستدارانم יש به ارث دهم»: [יש یعنی] سیصد و ده جهان. و برای پدیدآمدن چیزی (יש) از نیستی مطلق، باید مرتبهٔ צמצום باشد.

10 והנה שכר מצוה מצוה. פי' שהמצוה בעצמה ממשכת מתן שכרה וכמ"ש יגיע כפיך כי תאכל שע"י

המצות שאדם עושה בעוה"ז הוא ממשיך להיות גילוי הג"ע [הגן עדן] שיومשך התגלות תענוג הנשמות.

اکنون، «پاداش یک فرمان (מצוה, mitzvah)، خود فرمان است.» مقصود این است که خودِ מצوה، اعطای پاداش آن را فرود می‌آورد؛ چنان‌که نوشته شده است: «هنگامی که دسترنج خویش را بخوری»؛ از رهگذر فرمان‌های توراتی (מצוות, mitzvos) که انسان در این جهان به‌جا می‌آورد، تجلی باغ عدن را فرود می‌آورد، تا تجلی لذت ارواح پدید آید.

וכמ"ש ויניחהו בג"ע [בגן עדן] לעבדה אלו רמ"ח מ"ע [מצות עשה]. שע"י"ז הוא עושה את הג"ע [הגן עדן].

چنان‌که نوشته شده است: «او را در باغ عدن نهاد تا آن را کشت وکار کند»؛ مقصود از آن، ۲۴۸ فرمانِ ایجابی است، زیرا انسان با آن‌ها باغ عدن را می‌سازد.

וזהו כל הנשמה תהלל יה. פי' תהלל ותאיר הארת והמשכת היו"ד שהיא בחי' הצמצום להיות בה'

עלאה בחי' עוה"ב [עולם הבא] שהיא בחי' יש מאין להנחיל אוהבי יש כנ"ל:

و این است: «هر روحی יה را بستانید.» مقصود آن است که [هر روحی] پرتوافشانی و فرودآوردنِ حرفِ יו"ד را بتابد و روشن سازد؛ این حرف مرتبهٔ انقباض (צמצום, tzimtzum) است، تا مرتبهٔ جهانِ آینده، که مرتبهٔ هستی از نیستی است، در هی برتر پدید آید؛ «تا به دوستدارانم هستی متعین (yesh, יש) را به ارث دهم»، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

11 אך היינו כל הנשמה דייקא. כי נשמה מלשון נשימה שבאדם שהיא בחי' ר"ש [רצוא ושוב]. כי הנשמה היא כמ"ש אשום ואשוף יחד. ששואף ההבל ונכנס ויוצא.

اما منظور، به طور مشخص «هر روح (نשמה, neshamah)» است. زیرا نשמה از واژه تنفس (نשימה, neshimah) در انسان گرفته شده است؛ تنفسی که مرتبه «شتافتن و بازگشت» است. روح همان گونه است که نوشته شده: «هم زمان بازدم می کنم و دم می گیرم»؛ انسان نفس را به درون می کشد، و نفس وارد می شود و بیرون می رود.

וע"ש [ועל שם] זה נק' נשמה שהיא מקור כל הנשימות וכללותן. ולכן הלב דופק תמיד ברו"ש [ברצוא ושוב]. از همین رو آن را نשמה می نامند؛ زیرا سرچشمه همه نفس ها و دربرگیرنده مجموع آنهاست. بنابراین قلب پیوسته با آهنگ شتافتن و بازگشت می تپد.

משא"כ שאר כל האברים שוקטים ונחים. ועל עמדם יעמודו כי روح החיות של הנפש הוא בדם הלב דוקא.

اما همه اندام های دیگر چنین نیستند: آرام و آسوده اند و در جای خود پابرجا می مانند؛ زیرا نیروی حیات روح نفس، مشخصاً در خون قلب است.

12 והנה בחי' הרצוא של הנשמה הוא בחי' מס"נ [مسירות نפש] בק"ש [בקריאת שמע]. והיינו מסירת הרצון כי נפש הוא הרצון כמ"ש אין נפשי אל העם הזה כו'.

اکنون، مرتبه «دویدن» جان، مرتبه فداکاری تا پای جان (مسירות نפש, mesirus nefesh) در قرائت שמع (Shema) است. یعنی واگذارن اراده؛ زیرا جان (نפש, nefesh) به معنای اراده است، چنان که نوشته شده است: «جان من (نפشی, nafshi) به سوی این قوم نیست»، و الی آخر.

דהיינו שיעקור رצונו המלוכش בהבלי עולם. ולהיות לו רק רצון א' לאביו שבשמים.

یعنی اراده ای را که در بیهودگی های جهان پوشیده شده است از ریشه برکنند و تنها یک اراده داشته باشد: برای پدرش در آسمان.

13 וכמ"ש מי לי בשמים ועמד לא חפצתי בארץ. שאין לו חפץ ورצון אחר כלל.

چنان که نوشته شده است: «در آسمان چه کسی را دارم؟ و با تو، بر زمین، هیچ خواسته ای ندارم»؛ او هیچ خواست یا اراده دیگری ندارد.

והיינו בשומו ללבו שאין עוד מלבדו והכל בטל אליו ית'. וכל הדברים שבעוה"ז הנפרדים ליש ודבר בפ"ע [בפני עצמן] הוא רק לפי שנפלו בשבה"כ [בשבירת הכלים].

یعنی با به دل سپردن این حقیقت که جز او هیچ نیست و همه در برابر او هیچ‌اند، که مبارک است. و همه چیزهای این جهان که جدا، به صورت موجودی مستقل (יש, yesh) و چیزی قائم به خود هستند، تنها از آن رو چنین‌اند که در شکستن ظرف‌ها فرو افتادند.

14 וכמ"ש לי הכסף ולי הזהב נאם ה' שהכסף והזהב הגשמיים הם נתגשמו בירידתם מטה מטה בהשתלשלות רבות ועצומות. אבל במקורם למעלה הם לי ובטלים אלי לפי ששרשם הוא מבחי' נאם ודבר ה'.

چنان‌که نوشته شده است: «نقره از آن من است و طلا از آن من است، نام چهارحرفی (ה', Havayah) می‌فرماید»: نقره و طلای مادی، در فرود آمدنشان، پله‌پله و از راه زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) که مراحلش بسیار و عظیم است، مادی شدند؛ اما در سرچشمه‌شان در بالا، «از آن من» هستند و در برابر من در مقام خودنفی‌گری‌اند؛ زیرا ریشه‌شان از مرتبهٔ «می‌فرماید» (נאם, ne'um) و کلام ه' است.

15 וכל מה שיעמיק בזה ויותר מזה לבבו יבין שלא לנסות ולא לימשך בלתי לה' לבדו. ויהיה רצונו רק אליו ית' לדבקה בו עד מיצוי הנפש.

هرچه بیشتر در این باره ژرف‌اندیشی کند، و حتی بیش از این، دلش درمی‌یابد که به چیزی جز ه' تنها میل نکند و به دنبال چیزی جز او کشیده نشود. اراده‌اش تنها متوجه او، که متبارک است، باشد و چنان به او بپیوندد که جانش را تا واپسین حد اشتیاق صرف او کند.

ואחר שיהיה כך ברצוא יהיה כך בשוב להיות והיו הדברים האלה אשר אנכי מצוך היום על לבבך ודברת במ בשבתך בביתך وבלכתך בדרך כו'

و پس از آنکه در حالت «دویدن» چنین بود، در حالت «بازگشت» نیز چنین باشد: «این سخنانی که امروز به تو فرمان می‌دهم بر دلت باشد، و دربارهٔ آنها سخن بگو، هنگامی که در خانه‌ات نشسته‌ای و هنگامی که در راه می‌روی»، و الی آخر.

כי אין לו להקב"ה בעולמו אלא ד"א [ד' אמות] של הלכה בלבד. פי' מאחר שהוא קדוש כו'.

زیرا «قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) در جهان خود جز چهار ذراع هلاخا (הלכה, halachah [احکام تورات]) ندارد.» مراد این است: چون او قدوس است، و الی آخر،

איך לו שייכות להיות שורה ומתלבש בעולם אלא ע"י ד"א [ד' אמות] של הלכה שע"י נעשה דירתו ממש בתחתונים שהיא חכמתו ורצונו כו'

او هیچ پیوندی با جهان ندارد تا در آن قرار گیرد و در آن متلبس شود، مگر از طریق چهار ذراعِ هلاخا؛ از طریق آن، سکونتگاهی در میانِ عوالمِ فرودین (دירה בתחתונים, dirah betachtonim)، سکونتگاهِ حقیقی خود او، پدید می‌آید؛ و آن حکمت و ارادهٔ اوست، و الی آخر.

وזה כל האדם להיות רץ לבך ושוב לאחד כו' כי בע"כ [בעל כרחך] אתה חי כו'.

و این تمام وجود انسان است: [در حالت] «دلِ تو می‌دود و به آن یگانه بازگردد»، و الی آخر؛ «زیرا برخلاف اراده‌ات زنده‌ای»، و الی آخر.

16 وبזה תהיה כל הנשמה תהלל יה כי ע"י אתעדל"ת [אתערותא דלתתא] אתעדל"ע [אתערותא דלעילא]. שע"י בחי' רצוא שבעבודת האדם כך הוא למעלה בחי' הסתלקות וצמצום אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה.

و بدین‌سان است که «هر جانِ יה را بستاید»، زیرا به‌واسطهٔ برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarus dilesata)، [برانگیختگی از بالا (אתערותא דלעילא, isarus dileila) پدید می‌آید]. به‌واسطهٔ مرتبهٔ (مرتبه / جنبه، בחינה, bechinah) «شتافتن» در خدمتِ انسان، در بالا نیز مرتبهٔ کناره‌گیری و انقباض (צמצום, tzimtzum) نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک باد، وجود دارد.

וע"י בחי' שוב כך הוא בחי' המשכת אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה בהשתלשלות המדרגות למטה מטה כדי להאיר התגלות התענוג של הנשמות להתענג על ה'.

و به‌واسطهٔ مرتبهٔ «بازگشت»، مرتبهٔ فرودآوردنِ اَورِ اَینِ سَوف، متبارک باد، در زنجیرهٔ مراتبِ نزولی (השתלשלות, hishtalshelus)، پایین‌تر و پایین‌تر، پدید می‌آید تا آشکارگی لذتِ جان‌ها را روشن سازد، تا از ה' لذت ببرند.

וזהו ה' צלך כצל שהוא פונה אחרי האדם. כך הוא ית' כביכול צל שלך. והיינו על יד ימינך דהיינו ע"י אהבה במס"נ [بمسירות نפש] בבחי' רצוא כנ"ל.

و این همان است که می‌گوید: «نام چهارحرفی (ה', Havayah) سایهٔ توست»: همان‌گونه که سایه در پی انسان می‌گردد، او نیز، متبارک باد، گویی سایهٔ توست. و این همان «در دستِ راستِ تو» است؛ یعنی به‌واسطهٔ عشق همراه با فداکاری تا پای جان (مסירות نפש, mesirus nefesh)، در مرتبهٔ «شتافتن»، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

וזהו נר הוי"ה נשמת אדם שנשמת אדם שהוא בחי' נשימה ברו"ש [ברצוא ושוב] היא בחי' נר להאיר ולהמשיך אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה בג"ע [בגן עדן] כ"ו:

و این همان است که می‌گوید: «جان انسان چراغِ ه' است»: جانِ انسان، که مرتبۀ نفس‌کشیدن در «شتافتن و بازگشت» است، مرتبۀ چراغ‌بودن است؛ تا **اور אין سوف** را در باغ عدن روشن سازد و فرود آورد، و غیره.

17 **אך כדי לבא למדרגת בחי' רי"ש [רצוא ושוב] הנ"ל א"א לאדם להגיע ע"י התבוננות בה' אחד ברוח בינתו לבד שמשכלו ובינתו לא תוליד אהבה כזו.**

اما برای رسیدن به مرتبۀ دویدن و بازگشتِ یادشده، یعنی مرتبه (bechinah, **בחינה**)، انسان نمی‌تواند تنها از راه تأمل در یگانگیِ ه' و با نیروی فهمِ خویش به آن دست یابد؛ زیرا عقل و فهمش چنین عشقی را پدید نخواهد آورد.

הגם שע"פ שכלו ותבונתו יבין שכך יאתה מ"מ לא יגרום כח המושך בפו"מ [בפועל ממש]

هرچند با عقل و فهمش درخواهد یافت که عشق ورزیدن به این شیوه سزاوار است، بااین‌همه در عمل نیرویی پدید نخواهد آورد که [او را] به‌سوی خود جذب کند.

אלא עז"נ [על זה נאמר] כי אתה נרי הוי"ה. אתה הוא בחי' תומ"צ [תורה ומצות]. כי א"ת הם בחי' אותיות התורה מא' ועד תי"ו.

بلکه دربارهٔ این گفته شده است: «زیرا تو (atah, **אתה**) چراغِ منی، ه' (Havayah).» **אתה** همان **بחינה** تורה (Torah) و **מצות** (mitzvos) است؛ زیرا **א'** (alef) و **תי"ו** (tav) مرتبۀ حروفِ تורה را نشان می‌دهند، از **א'** تا **תי"ו**.

18 **וה' הוא בחי' המצות. ועי"ז וה' יגיה חשכי שיש חשך המחשיך ومונע מלהאיר اور האהבה לה' הגם שיתבונן שכך יאתה. והוא חשך הגוף ונפש החיונית המלבישים את נפש האלקית.**

و حرفِ ה (hei)، مرتبۀ فرمان‌ها (**מצות**, mitzvos) است. و از این راه، «نام چهارحرفی (ה', Havayah) تاریکی‌ام را روشن می‌سازد»؛ زیرا تاریکی‌ای هست که تاریک می‌کند و مانع می‌شود نورِ عشق به ه' بتابد، هرچند شخص بیندیشد که چنین عشقی سزاوار است. و این، تاریکیِ جسم و نفیس حیوانی است که نفیس الهی (**نפש האלקית**, Nefesh Elohis) را می‌پوشانند.

וצ"ל תחלה סומוע"ט [סור מרע ועשה טוב] ע"י שיהי' [שיהיה] ממארי דחושבנא ממעשים ודבורים ומחשוב' [ומחשבות] אשר לא לה' המה כל ימי חיי הבלו כל חד לפום מאי دیدע בנפשו נגעי לבבו

و باید نخست «از بدی دوری کن و نیکی به‌جا آور»؛ به این ترتیب که از «اهلِ حسابرسی» باشد، [با حساب‌کردن] اعمال، گرفتارها و اندیشه‌هایی که در همهٔ روزهای زندگی بیهوده‌اش برای ه' نبوده‌اند؛ هرکس به اندازهٔ آنچه در جانِ خود از آسیب‌های دلش می‌شناسد،

שהם המונעים ומעכבים את אור האהבה כי כל איש אשר בו מום לא יקרב לחם אלקיו לא יגש להקריב כו'.

که همان‌ها مانع نور عشق می‌شوند و آن را بازمی‌دارند. زیرا «هر مردی که عیبی در او باشد، نباید نزدیک شود تا نانِ اَلِکِیو را تقدیم کند؛ نباید برای تقدیم نزدیک شود» و غیره.

19 וכדכתיב ותמימים ינחלו טוב ואין טוב כו'. משא"כ בעלי מומין שבעלי מומין פסולין לגבי מזבח.

چنان‌که نوشته شده است: «و بی‌عیبان نیکی را به ارث خواهند برد» و «نیکی‌ای نیست»، و الی آخر. اما در مورد معیوبان چنین نیست، زیرا معیوبان [حیوانات] برای قربانگاه مردودند.

ואף אם עלו ע"ג [על גבי] מזבח מורידין אותן. וכשם שהוא בקרבנות כך הוא בכל אשר יקריב נפשו לה' כל איש אשר בו מום לא יוכל ליקרב בק"ש [בקריאת שמע] להיות לו מס"נ [مسירות نפש] באמת

و حتی اگر بر قربانگاه برده شوند، از آن پایین آورده می‌شوند. و همان‌گونه که در مورد قربانی‌ها چنین است، در مورد هر کس که جان خود را برای ه' تقدیم می‌کند نیز چنین است: هر مردی که عیبی داشته باشد، نمی‌تواند هنگام قرائتِ **שמע** (Shema) نزدیک شود تا فداکاری حقیقی تا پای جان (مسירות نפש, mesirus nefesh) داشته باشد.

ومורידים אותו מלמעלה ומפילים אותו למטה עד אשר ישוב אל ה' וירחמהו כו'. ואז נותנים לו סיוע מלמעלה להיות מעורר את האהבה לה' בק"ש [בקריאת שמع].

و او را از بالا پایین می‌آورند و به پایین می‌افکنند تا آن‌گاه که به ه' بازگردد و او بر وی رحم آورد، و الی آخر. و آن‌گاه از بالا به او یاری می‌شود تا در قرائت **שמع** عشق به ه' را برانگیزد.

20 והנה בחי' זו נק' בת בחי' מקבל שאין נפשו בטילה לה' במס"נ [בمسירות نפש] בטבע עד אשר יערה עלי'

[עליה] **روح ממרום ועז"נ [ועל זה נאמר] שמעי בת וראי והטי אזנך ושכחי עמך ובית אביך.**

اکنون، این مرتبه «دختر» نامیده می‌شود؛ مرتبه گیرنده: کسی که نفسش به‌طور طبیعی با فداکاری تا پای جان (مسירות نפש, mesirus nefesh) در برابر ه' به خودنهی‌گری (بی‌سول, bittul) نمی‌رسد، تا آن‌گاه که روحی از بالا بر [آن] افاضه شود. درباره این گفته شده است: «بشنو، ای دختر، و بنگر، و گوش خویش را متمایل ساز، و قوم خود و خانه پدرت را فراموش کن.»

פי' עמך ובית אביך. היינו מה שהורגלת בו ונמשכת אחריהם בהבלי העולם. עכ"פ [על כל פנים] שכחי לפנות דעתך לקבל ע"ע [על עצמו / על עצמך] עומ"ש [עול מלכות שמים] שצריך להיות כלי לקבל את אור האהבה הבאה מלמעלה.

معنای «قوم خود و خانه پدرت» این است: آنچه به آن خو گرفته‌ای و در پی آن‌ها به یاوه‌های جهان کشیده شده‌ای. دست‌کم، [آن‌ها را] فراموش کن تا ذهن خود را فارغ سازی و برای پذیرش یوغ (קבלת עול, kabbalas ol) فرمانروایی آسمان بر خویش آماده شوی؛ زیرا انسان باید ظرفی باشد برای دریافت نور عشقی که از بالا می‌آید.

21 ואזי ויתאו המלך יפך. יופי ההארה שיאיר את האהבה שהיא בחי' נר כנ"ל. ועז"נ [ועל זה נאמר] תתן אמת ליעקב.

و آنگاه «پادشاه زیبایی تو را خواهد خواست»: زیبایی آن روشنایی‌ای که عشق را می‌افروزد؛ عشقی که، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، مرتبه چراغ است. و درباره این گفته شده است: «به یعقوب (יעקب) حقیقت خواهی بخشید.»

כי נש"י [בשמות ישראל] הם ב' בחי' יעקב וישראל. ישראל הוא בחי' כי שרית ותוכל שכבר גבר ונצח המלחמה

زیرا ارواح بنی اسرائیل از دو مرتبه‌اند: یعقوب و اسرائیل (ישראל). اسرائیل مرتبه «زیرا که کشتی گرفتی و چیره شدی» است؛ او پیش‌تر غلبه کرده و در نبرد پیروز شده است.

משא"כ יעקב יו"ד עקב דהיינו שירד מטה בבחי' עקב אלא שיש לו בחי' יו"ד בראשו שאליו יומשך ממטה למעלה.

اما یعقوب، برعکس، «یود و پاشنه» (יו"ד עקב, yud eikev) است؛ یعنی تا پایین فرود آمده و به مرتبه پاشنه رسیده است، با این تفاوت که یودی در سر خود دارد و از پایین به بالا به سوی آن کشیده خواهد شد.

ועדיין אין לו בחי' אמת בנפשו בטבע ממש. רק שה' יתן אמת ע"י סיוע מלמעלה.

و او هنوز مرتبه حقیقت را به‌طور طبیعی در نفیس خود ندارد؛ تنها این است که ه'، از راه یاری بالا، حقیقت را عطا می‌کند.

וחסד לאברהם פי' שיהיה בחי' אברהם הוא בחי' האהבה שהיא באה בתורת חסד מלמעלה. וכ"ז [وکل זה] הוא מימי קדם מבחי' תשובה שקדמה לעולם:

«و مهر به ابراهیم (آברהם)»؛ یعنی مرتبه ابراهیم، همان مرتبه عشقی است که به صورت بخشش مهر از بالا می‌آید. و همه این‌ها «از روزگاران کهن» است، از مرتبه بازگشت (תשובה, teshuvah) که پیش از جهان وجود داشت.

22 וביאור ענין אחותי. הוא בחי' ומדרגת מארי תורה שתורתם אומנותם כי במעלת התורה איתא במדרש

מצינו שויתר הקב"ה על ג"ע [גילוי עריות] ושי"ד [ושפיכות דמים]. ולא ויתר על בטול תורה.

و توضیح معنای «خواهر من» این است: این، مرتبه و جایگاه صاحبان تورا است، آنان که تورا پیشه آنان است. زیرا درباره عظمت تورا، در میدراش آمده است: «می‌یابیم که ה' از روابط ممنوع و خونریزی چشم پوشید، اما از ترک تورا چشم نپوشید.»

והענין כי הנה עסק התורה הוא המשכת דירתו ית' בתחתונים

معنا این است که اشتغال به تورا، فرود آوردن سکونتگاه او، که خود او متبارک است، در میان عوالم فرودین است.

כי כל עניני התורה אסור ומותר. כשר ופסול. טמא וטהור. הוא רק הבדלה בין טוב לרע. וכמ"ש להבדיל בין החיה הנאכלת ובין כו'.

زیرا همه موضوعات تورا - ممنوع و مجاز، کשר (kosher: روا) و نامعتبر، ناپاک و پاک - تنها تمایزی میان نیکی و بدی‌اند. چنان‌که نوشته شده است: «تا میان حیوانی که خوردنش رواست و میان ... جدایی افکند.»

23 והנה כתיב בי מלכים ימלכו. ואמרו מתניתין מלכתא שהיא כמלך שמצוה לעשות כך וכך כו' כמ"ש במ"א.

اکنون، نوشته شده است: «به واسطه من پادشاهان فرمانروایی می‌کنند»؛ و گفته‌اند: «میشنا (משנה, Mishnah) ملکه است»، زیرا مانند پادشاهی است که فرمان می‌دهد چنین و چنان کنند، و غیره؛ چنان‌که جای دیگر توضیح داده شده است.

והנה כתיב אם תגביה כנשר כו'. משם אורידך נאם ה' שנאם ה' ודבורו הוא המוריד ומשפיל הקליפות וס"א [וסטרא אחרא] למטה ויתפרדו כל פועלי און.

و نوشته شده است: «اگر چون عقاب به فراز پرکشی»، و غیره؛ «از همان‌جا تو را فرود خواهم آورد، می‌فرماید ה'»: گفتار ה' و سخن اوست که پوسته‌ها (קליפות, kelipos) و سوي دیگر (סטרא אחרא, sitra achra) را به پایین فرومی‌کشانند و فرومی‌نشانند، و «همه عاملان بیداد پراکنده خواهند شد».

וכך האדם ע"י עסקו בתורה. ומבדיל בין איסור והיתר. ובין כשר לפסול כנ"ל. הנה הוא מוריד האיסור והפסול ומדחהו למטה ע"י דבר ה' אשר בפיו זו דבר הלכה

و درباره انسان نیز چنین است: از راه اشتغالش به تورات، میان ممنوع و مجاز، و میان شایسته و معتبر (کשר, kosher) و نامعتبر، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، تمایز می‌گذارد؛ بدین‌سان، ممنوع و نامعتبر را به پایین فرومی‌کشانند و به دور می‌رانند، به واسطه «کلام ה'» که در دهان اوست؛ «این کلام حکم فقهی تورات (הלכה, halachah) است».

נתקיים בו ועל ידו משם אורידך נאם ה' ולכן נק' ישראל אחים וריעים להקב"ה. וכמ"ש להנחיל אוהבי יש. למען אחי וריעי כו':

[בדין-סאן] در او و به واسطه او تحقق می‌یابد: «از همان‌جا تو را فرود خواهم آورد، می‌فرماید ה'». از این‌رو اسرائیل برادران و یارانِ قدوسِ متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) خوانده می‌شوند؛ چنان‌که نوشته شده است: «تا به دوستدارانم وجود عینی (יש, yesh) را به میراث دهم» و «به‌خاطر برادران و یارانم»، و غیره.

24 **וזהו הקל קול יעקב והידים ידי עשו. שבזמן שהקל קול יעקב אין ידי עשו שולטות בו.**

و این همان است که: «صدا، صدای یعقوب (יעקب) است و دست‌ها، دست‌های عیسو (עשו)»؛ هنگامی که صدا، صدای یعقوب است، دست‌های عیسو بر او تسلطی ندارند.

כי אין יניקה לחיצונים מאחר שמבדילים ומבררים. והיינו בזמן שהקל קול. פי' שהקול עליון הוא דבר ה' מתחבר בקול שלמטה

زیرا نیروهای بیرونی از چیزی تغذیه نمی‌شوند، چون [آدمی] جداسازی و پالایش می‌کند. و این همان است که می‌گوید: «هنگامی که صدا، صداست»؛ یعنی صدای برین، که سخنِ ه' است، به صدای فرودین پیوند می‌خورد،

להיות כמ"ש ואשים דברי בפך וכתیب ודברי אשר שמתי בפך דברי ממש שאז הוא בחי' מתניתין מלכתא.

تا چنان باشد که نوشته شده است: «و سخنانم را در دهانت نهادم»؛ و نیز نوشته شده است: «و سخنانم را که در دهانت نهاده‌ام»؛ یعنی به‌راستی «سخنان من». زیرا آن‌گاه مرتبه «میشنا (Mishnah, משנה) ملکه است» است.

25 **ובחי' זו נק' אחותי רעיתי יונתי תמתי. א"ת [אל תקרי] תמתי אלא תאומתי שנעשו בחי' אחים תאומים ממש כביכול.**

و این مرتبه «خواهر من، محبوب من، کبوتر من، کامل من» نامیده می‌شود (תמתי, tamasi). نه תמתי، بلکه תאומתי (te'omasi, دوقلوی من) بخوانید: آنان گویی به‌راستی دو برادرِ دوقلو می‌شوند.

אך כל האומר אין לי אלא תורה אפי' [אפילו] תורה אין לו. כי מעלת התורה היא משום דאורייתא וקוב"ה [קודשא בריך הוא] כולא חד.

اما «هر که بگوید: «جز تورا چیزی ندارم»، حتی تورا هم ندارد.» زیرا عظمتِ تورا از آن روست که تورا و قدوسِ متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) یکسره یکی هستند.

26 וצ"ל גם באדם למס"נ [למסירות נפש] באחד שמשם מקור התורה ולהיות לו רק רצון א' כו' כנ"ל.

و در انسان نیز باید در «یکی» فداکاری تا پای جان (مסירות نפש, mesirus nefesh) باشد، زیرا سرچشمه تورات از همان جاست؛ و [او باید] تنها یک اراده داشته باشد و غیره، چنان که پیشتر گفته شد.

שע"ז הוא ממשיך גילוי התורה שמשם מקור חוצבה ושרשה דאורייתא מחכ' [מחכמה] נפקת. וכתוב ויקם עדות ביעקב ותורה שם בישראל. פי' כי הנה יש ב' בחי' ישראל ויעקב.

زیرا به واسطه این، تجلی تورات را فرود می‌آورد، چرا که سرچشمه و ریشه‌ای که تورات از آن تراشیده شده، از همان جاست: «تورات از حکمت (חכמה, Chochmah) سرچشمه می‌گیرد.» و نوشته شده است: «گواهی را در یعقوب (יעקב) برپا کرد و توراتی را در اسرائیل (ישראל) نهاد.» مقصود این است که دو مرتبه / جنبه (בחנה, bechinah) وجود دارد: اسرائیل و یعقوب.

27 וכנגד זה יש ב' בחי' בתורה עדות ותורה. ומבחי' יעקב נמשך בחי' עדות ומבחי' ישראל נמשך בחי' תורה.

در برابر این، در تورات دو مرتبه وجود دارد: گواهی و تورات. از مرتبه یعقوب (יעקب)، مرتبه گواهی نازل می‌شود و از مرتبه اسرائیل (ישראל)، مرتبه تورات.

וכמ"ש ועשיתם אתם אתם כתיב. וכתוב אשר יעשה אתם האדם. כי ע"י האדם נמשך בחי' תומ"צ [תורה ומצות].

چنان که نوشته شده است: «و آنها را انجام دهید» (אותם, osam)؛ این گونه نوشته شده است [تا بتوان آن را] «شما» (אתם, atem) خواند. و نیز نوشته شده است: «آنچه را که انسان انجام دهد» (אתם, osam). زیرا از طریق انسان، مرتبه تورات و فرمان‌ها (מצוות, mitzvos) نازل می‌شود.

והיינו ע"י מס"נ [מסירות נפש] באחד שאז כל הנשמה תהלל יה כו' כנ"ל. ובחי' זו נקראת אמי שהוא בחי' אם הבנים.

یعنی از طریق فداکاری تا پای جان در «یکی»؛ زیرا آن‌گاه «هر نفسی יה را بستاید» و الی آخر، چنان که پیشتر گفته شد. و این مرتبه «مادر من» نامیده می‌شود؛ یعنی مرتبه «مادر فرزندان».

שהיא היא המוליד הגילוי אלקות אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה בג"ע [בגן עדן] ותענוג הנשמות זו תורה ועבודה כו'. ולע"ל [ולעתיד לבוא] כתיב רני ושמחי בת כו'. שבחי' בת תעלה ביתר שאת כנ"ל. ולהיות אשת חיל עט"ב [עטרת בעלה] כו' כמ"ש במ"א:

זیرا اوست که زاینده تجلی الوهیت، یعنی نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، در باغ عدن و نیز لذت جان‌هاست؛ این همان تورات و بندگی است و الی آخر. و درباره روزگار آینده نوشته شده است: «ای دختر، بسرای و شادمان باش» و الی آخر؛ مرتبه «دختر» با برتری فزون‌تر بالا خواهد رفت، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، و «زن بافضیلت، تاج شوهر خویش» خواهد شد و الی آخر، چنان‌که در جای دیگر توضیح داده شده است.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از [/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/7/](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/mikeitz/7/)

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک